

بررسی فعالیت های گوهرشاد تیموری در زمینه سیاست، فرهنگ و تمدن تیموریان

زینب معرفیون^۱

نوروزبنی سعید^۲

چکیده

در مطالعه‌ی تاریخ ایران اسلامی با نام زنانی مواجه‌ایم که تأثیرگذار و حامیان و بانیان مهمی در معماری بوده‌اند. در دوره‌های مختلف تاریخ متناسب با باورهای عمومی جامعه و نظام حاکم، حضور این زنان در بعضی دوره‌ها پررنگتر و در بعضی از دوره‌ها کم‌رنگتر است که بی شک متأثر از شرایط هر دوره از تاریخ بوده‌است. زنان هرگاه مجال یافته‌اند، به مداخله در امور سیاسی و امور عام المنفعه (هنرمعماری) پرداخته‌اند و در این امور پیشقدم می شدند. مهدعلیا، گوهرشاد آغا یکی از این زن‌ها می باشد. وی از اشراف خراسان بود. پدرش امیر غیاث الدین ترخان یکی از امرای تیمور-ی بود. او بعد از ازدواج با شاهرخ تیموری ملکه‌ی ایران شد. به طوریکه در امور دولتی و حکومتی به شاهرخ مشورت‌های سازنده ای می داد و در امور اجرایی سهم فعالانه‌ایی داشت. از او به عنوان زنی باذکاوت، نیکوکار، و مادری هنرمند نام برده‌اند که در حسن تدبیر و سیاست مقامی والا داشته است. در دوران حیات خود گروهی از هنرمندان و معماران را گرد خود جمع نمود. تحت نظر او یک مجموعه‌ی عام‌المنفعه معماری در هرات (مسجدجامع، مدرسه، خانقاه) و مسجدی در کنار بارگاه امام‌رضاع) ساخته شد. در هر دو شهر به نام آن بانو به (مسجدگوهرشاد) معروف می باشند. در این پژوهش سعی می گردد با مطالعه زندگی گوهرشاد آغا و آثاری که منسوب به وی باقی مانده، عملکرد این بانو در ساختار سیاسی، فرهنگ و تمدن دوره‌ی تیموری مورد واکاوی قرار بگیرد.

واژه های کلیدی: گوهرشاد آغا، تیموریان، شاهرخ، مدرسه، مسجد، هرات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهیدچمران اهواز. zeinab.moarefion67@gmail.com

^۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد واحد خرمشهر. n-bensaeed@yahoo.com

Review of the activities of Goharshad Agha in politics, culture and civilization fields of the Timurid period

Abstract

In the study of the history of Islamic Iran, we encounter women who have been influential and important sponsors and founders in architecture. In different periods of history, in line with the general beliefs of the society and the ruling system, the presence of these women is more colorful in some periods and in some periods is less pronounced, which is undoubtedly influenced by the conditions of each period of history. Women have, whenever possible, paid for intervention in political affairs and public affairs (art and architecture). Mehd Alia, Gohar Shad Agha is one of these women. Gohar Shad Agha was one of the nobles of Khorasan. His father Amir Ghiasuddin Torkhan was one of the Timurid emirs. After marrying Shahrokh Tejori, she became Queen of Iran. So that in state and government affairs, Shahrok gave constructive advice and had an active role in executive affairs. She has been named as a beloved, philanthropist and artist woman, who has had a high position in well Policy and tactics. During his life, she gathered a group of artists and architects. Under his supervision, a general architectural complex was built in Herat (mosque, school, and khangha) and a mosque was built next to Imam Reza's courtyard. In both cities, the name of that lady is famous for the Goharshad Mosque. In this research, we try to help study the life of Gohar Shad Agha and the works that remain attributed to his, to examine the performance of this lady in the political structure and the era of Timurid civilization and culture.

Keywords:

Gohar Shad Agha, Timurian, Shahrokh, School, Mosque, Herat

مقدمه

عصر حاکمیت تیموریان در ایران مانند دوره‌ی مغول به لحاظ منزلت، احترام، و موقعیت زنان، به ویژه زنان خاندان حاکمه قابل توجه و تأمل است. جایگاه زنان در این دوره برمبنای مجموعه‌ای از سنن و رسوم ایرانی-اسلامی و قبیله‌ای شکل گرفت و زمینه برای شکوفایی زنان شاخص و برجسته فراهم گردید. در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شاهد فعالیت زنانی از طبقات بالای جامعه هستیم. سیاست به ویژه این زمان، عرصه‌ای برای نفوذ مستقیم و دخالت‌های زنان خاندان حاکمه است که خصوصاً پس از مرگ تیمور، دامنه‌ی این نفوذ و اعمال قدرت افزایش می‌یابد و در ارتباط با زنی مانند گوهرشادآغا، به اوج می‌رسد. دامنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان خاندان حاکمه با توجه به اختیارات، توان و قدرت مادی و معنوی از گسترش بیشتری برخوردار است. فعالیت زنان در جهت حمایت از معماری و ساخت و تعمیر ابنیه‌های مختلف و علاقه به امور خیریه و عام‌المنفعه به ویژه در عهد تیموریان قابل توجه و در شاخص نمودن وجهه‌ی اجتماعی آنها بسیار مؤثر است. زنان هر زمان که مجال یافته‌اند توجه ویژه‌ای به معماری که جلوه‌گاه هنر است مبذول داشته‌اند. بنابراین امروزه آثار بسیاری از بناهایی باقی است که زنانی بانیان ایجاد آنها بوده‌اند. در این میان، گوهرشادآغا (همسر شاهرخ تیموری) بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. وی بانویی باذکاوت و مقتدر بوده و در دستگاه حکومتی شاهرخ نفوذ فراوان داشته و به نوعی در کلیه‌ی امور نظارت داشته است. نفوذ مقتدرانه‌ی گوهرشاد در معیت فرزندان و تعدادی از دولتمردان، نظمی در حکومت شاهرخ به وجود آورد که باعث فراهم آمدن آرامش و رفاه در اکثر قلمرو حکومت وی گردیده و شهرت شاهرخ مدیون کارآیی و درایت گوهرشادآغا می‌باشد. به طوریکه شاهرخ، خراسان را بنا به درخواست گوهرشاد مرکز نوآوری‌های معماری و بناهای جدید قرارداد. همچنین در بسیاری از سفرها نیز شاهرخ میرزا را همراهی می‌نمود. وی حتی پس از مرگ شاهرخ هم در نزد مردم از قدر و عزت برخوردار بود. از آثار و بناهای خیریه‌ای که توسط این زن بنا شد، مجموعه‌ی فرهنگی هرات (افغانستان) و مسجد جامع مشهد (ایران) بیش از همه اهمیت دارند. و از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری قرن نهم هجری به شمار می‌روند. قابل ذکر است که گوهرشاد مستقیماً در ساخت این بناها نظارت داشته است. فارغ از ساخت ابنیه‌های عام‌المنفعه، می‌توان شخصیت این بانو را از دیدگاه تربیت فرزندان شایسته و هنرمند بررسی نمود. و به عنوان یک الگو برای زنان جامعه مطرح شود. زیرا دو فرزند ایشان میرزا بایسنقر و میرزا سلطان ابراهیم از امرای تیموری و بزرگان هنر در زمان خود بودند.

شناخت کارکردهای سیاسی و فرهنگی وی بدون درک مناسبی از فضای دوران حیات او امکان پذیر نیست. لذا هدف نگارنده در این است که با بررسی منابع متقدم و بهره بردن از تحقیقات تاریخ پژوهان متأخر، با در نظر گرفتن اهمیت مقام و جایگاه گوهرشاد خاتون در عصر تیموریان، تصویری روشن از عملکرد وی در ساختار سیاسی، فرهنگ و تمدن این دوره ارائه دهد.

سوال اصلی

فعالیت های سیاسی، فرهنگی و تمدنی گوهرشاد خاتون چه تأثیری بر امپراطوری تیموریان داشت؟ "به نظر می رسد گوهرشاد آغا در ساخت تاریخ کشور ایران نقش مهمی ایفا کرد. او تمامی موقعیتهای و فرصتهایی را که در اختیارش قرار گرفته بود، برای ایجاد و گسترش رستاخیز بزرگ فرهنگی به کار بست. وی به مداخله در امور سیاسی نظیر (دخالت در امر جانشینی، دسیسه چینی) و همچنین مشارکت در امور فرهنگی (احداث مسجد و مدرسه) پرداخت."

پژوهش حاضر، تحقیقی نظری (توصیفی-تحلیلی) بوده و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای می باشد که با استفاده از منابع کهن و تحقیقات معاصر صورت گرفته است. با وجود تلاش فراوان، نگارنده نوشته-ی حاضر را عاری از نقص و نقطه‌ی ضعف نمی داند. زیرا پژوهش هایی از این نوع با محدودیتهای بسیاری همراه است.

بدیهی است در مورد این موضوع نیز مانند اکثر موضوعات تاریخی تحقیقاتی، هر چند جسته و گریخته، صورت گرفته است. از میان آثار پژوهشی جدید که در مورد تیموریان به نگارش درآمده است، دکتر حسین میرجعفری در کتاب تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان به صورت پراکنده و کلی به نقش خاتونان و اعضای خاندان سلطنت اشاره هایی کرده است. اما به نقش مهم گوهرشاد و تأثیر آن نپرداخته است. با توجه به خلاء موجود در این باره نگارنده انجام این پژوهش را وجهه‌ی همت خود قرار داده است.

وضعیت زنان و خاتونان سلطنت در عهد تیموری

زنان به عنوان نیمی از نیروهای انسانی هر جامعه در ساخت تاریخی و بروز و حدوث وقایع مختلف دارای نقشهای مستقیم و غیرمستقیم در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. در واقع حضور زنان در عرصه‌ی اجتماع به مقتضیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی آن جامعه بستگی دارد. حکومت تیموریان به دلیل داشتن ماهیت ایلپاتی، آداب و سنت های قبیله ای این حکومت برای زنان آزادی عمل، احترام، و نفوذ را به ارمغان آورد و زمینه را برای دخالت آنان در امور سیاسی فراهم کرد. به عبارت دیگر، در جوامعی که خاستگاه ایلی دارند، زنان از جایگاه اجتماعی برتر و آزادی عمل بیشتری برخوردار هستند (میرجعفری، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

زنان عهد تیموری که تربیت شاهزادگان را به عهده داشتند، با قبول این وظیفه به جریانهای سیاسی وارد می شدند و با استفاده از ضعف برخی سلاطین و آگاهی سیاسی و توان مدیریتی بالای خود به

دخالت مستقیم در امور مهم سلطنت پرداختند. آنان با اعمال سیاستهای گوناگون از جمله راه اندازی جنگها و شرکت در قتل ها و توطئه های سیاسی سعی کردند قدرت خود و فرزندانشان را حفظ کنند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۶۵). آنچه از منابع تاریخی بدست می آید این است که زنان در تاریخ سیاسی عصر تیموری نقش مؤثری در حوادث سیاسی ایفا نمودند و اشخاص قدرتمند و مشهور و ماندگاری از میانشان برآمدند. این زنان گاه در عرصه ی سیاست و نظامی گری وارد می شدند. گاه برای بر تخت نشاندن فرزند خود، دسیسه چینی و زمانی دیگر برای بخشش خطای بزرگان شفاعت می کردند. گاه سلاطین و شاهزادگان را به جنگ و می داشتند و گاهی نیز سفیر صلح می- شدند (خوافی، ۱۳۳۹: ۱۴۵).

حکومت تیموریان به واسطه ی علم دوستی حاکمان تیموری و رونق مراکز آموزشی و فرهنگی یکی از دوره های درخشان فرهنگی تاریخ ایران محسوب می شود. زنان نیز به پیروی از مردان عصر خود در این عرصه به فعالیت پرداختند و همچنین اوضاع نسبتاً خوب اقتصادی تیموریان زمینه را برای پرداختن زنان به امور اقتصادی فراهم آورد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۴/۱؛ حصاری، بی تا: ۴۳۷). تیمور با پیروزی بر بسیاری از سرزمینها و مردان سیاسی عصر خود ثروت عظیمی به دست آورده بود، لذا سمرقند را به پایتختی خود برگزید و مشهورترین هنرمندان و صنعتگران سرزمین های متصرفی خود را در آن جمع کرد و به زودی سمرقند به مکانی امن برای فعالیت دانشمندان و هنرمندان تبدیل شد (ابن عربشاه، ۱۳۳۹: ۲۹۷). بعد از مرگ تیمور نیز بازماندگانش که در محیط دانش پرور ماوراءالنهر پرورش یافته بودند و باعلاقه ای که به جبران ضررهای گذشته و رفاه حال مردم داشتند در بزرگداشت دانشمندان، هنرمندان، صنعتگران، ساخت بناها و آبادانی شهرها از یکدیگر سبقت گرفتند. علی الخصوص در دوران های آرامی که در زمان برخی پادشاهان مانند شاهرخ میرزا به وجود آمد، در چنین شرایطی زمینه ی مناسبی برای توجه زنان دربار به عمران و آبادانی و پرداختن به امور فرهنگی فراهم شد (پریس، ۱۳۴۷: ۹۶).

به نظر نگارنده، ساختار ایلی حکومت تیموریان که آزادی عمل زیادی به زنان می بخشید وقتی در کنار فرهنگ دوستی پادشاهان تیموری، شرایط اقتصادی مناسب و آرامش دوران تیموریان قرار گرفت فرصتی مناسب در اختیار زنان دربار قرارداد تا بتوانند به انجام امور خیر و ساخت بناهای عام المنفعه بپردازند.

در تاریخ حکومت تیموریان، نمونه هایی از نفوذ خاتونان درباری را در سیاست و در بعضی از امور می بینیم. در بین این زنان می توان از سرای ملک خانم و تومان آغا، همسران تیمور و شادمملک، همسر سلطان خلیل و گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ و فیروزه بیگم، مادر و خدیجه بیگم همسر سلطان حسین بایقرا نام برد. در چارچوب این پژوهش سعی شده تا از میان زنان نام برده شده،

عملکرد گوهرشاد خاتون در زمینه سیاست، فرهنگ و تمدن در عهد تیموری را مورد بررسی قرار دهیم.

شرح حال گوهرشاد خاتون (۷۸۰ه.ق/۸۶۱ه.ق)

گوهرشاد بیگم، گوهرشاد خاتون یا گوهرشادآغا (آغا به معنای خانم و عنوانی که برای احترام به دنبال یادار ابتدای اسم خواجه سرایان افزوده می شد) ملقب به بلقیس زمان، قیدافه دوران، مهدعلیا و سترعظمی، فرزند امیر غیاث الدین ترخان و بانو خان زاده بیگم بود که در حدود سال ۷۸۰ه.ق به دنیا آمد. پدرش یکی از نجیب زادگان جغتایی بود و خاندانش به لقب ترخانی معروف بودند. عنوان ترخان مترادف عنوان آغاجی است که منصب خاصی در دستگاه سلاطین و امرای ماوراءالنهر و خراسان بوده است (کاویانیان، ۱۳۵۴: ۲۶۳). صاحب این عنوان به سبب حشمت و نفوذی که داشت بدون واسطه و میانجی و بدون التزام به رعایت نوبت و رخصت نزد سلاطین شرفیاب می شده است. ترخان همچون واسطه‌ی میان سلطان و رعیت بود. و مخصوصاً در دوره ی مغول این مزیت را داشته که از پرداخت تمام یا قسمتی از عوارض دیوانی معاف بوده است. امیر غیاث الدین لقب ترخان را وقتی از چنگیز گرفت که در جنگهای مختلف شرکت کرده و از خود شجاعت نشان داده بود. و بدین ترتیب گوهرشاد یک ترخان زاده بود (جوینی، ۱۳۷۸: ۱۴۵/۲؛ رجبی، ۱۳۷۴: ۸۹).

گوهرشاد در سن ۱۴ سالگی به همسری شاهرخ میرزا، پسر تیمور گورکانی درآمد و دیری نگذشت که عروس مؤسس حکومت تیموریان به یکی از قدرتمندترین و ثروتمندترین زنان ایران آن روز بدل شد. این پیوندهای سیاسی با خاندان سلطنتی، پایه های قدرت و نفوذ خانواده ترخانی را بیشتر می نمود (شاه بلخی، ۱۳۷۳: ۱۰۶۷/۶). زیرا باعث شد که فرزندان غیاث الدین در هنگام انتصاب شاهرخ میرزا بر حکومت خراسان، به فرمان تیمور به خدمت گزاری این امیرزاده درآیند تا او را در اداره‌ی امور همراهی نمایند (نعمانی، ۱۳۵۸: ۲۳۱/۱). شاهرخ میرزا پس از پدرش به مدت ۴۳ سال بر مناطق وسیعی از ایران و افغانستان حکمرانی کرد و توسط او پایتخت تیموریان از سمرقند به هرات منتقل شد. شاهرخ میرزا برخلاف پدرش مردی صلح جو، دین دار، بخشنده، و هنردوست بود که به عمران و آبادی کشور اهمیت زیادی می داد و این خصوصیت او با روحیات گوهرشاد خاتون کاملاً هماهنگ بود و آزادی عمل قابل توجهی را برای ملکه‌ی تیموری به ارمغان می آورد. وی علاوه بر همسر، مشاور و همدم شاهرخ میرزا نیز شد و در بسیاری از تصمیمات مهم کشوری، شاهرخ از وجود وی بهره می برد (سیدی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۵).

فعالیت های سیاسی گوهرشاد خاتون

گوهرشادآغا زنی خردمند، بااحتیاط و اهل سیاست بود و نقش مهمی در تاریخ اوایل دوره‌ی تیموری ایفا کرد. او پس از مرگ تیمور، آهسته آهسته سلطنت داری را به دست خود گرفت. حتی

خود شاهرخ میرزا نیز به عقل و دانش او تن داده بود و در سلطنت داری به مشاوره های ملکه توجه می کرد (بلانت، ۱۳۶۳: ۲۱۵).

ملکه ی تیموری که حضور پررنگی در صحنه ی سیاست در سراسر دوران سلطنت شاهرخ و حتی پس از او داشت، نقش ویژه ای در اداره ی کشور به خصوص در اواخر حیات شاهرخ، ایفا کرد. در واقع می توان گفت اداره ی کشور در زمان شاهرخ میرزا به دست گوهرشاد، فرزندان و سردارانش انجام می گرفت زیرا شاهزادگان زیر نظر او تربیت می یافتند و او می کوشید آنها را به یک اسلوب مطلوب بار آورد. بدین ترتیب نفوذ وی در دربار بسیار زیاد شد تا آنجا که دخالت های وی در امور سیاسی گاه یکی را به اوج اقتدار می رسانید، و گاهی دست دیگری را از سلطنت کوتاه می کرد و او را روانه ی زندان یا چوبه دار می ساخت. وی دوبار با ترفندهای زیرکانه ی خویش موجب نجات جان انسان هایی از دست تیمورشده. یکبار که از او خواست به شگون تولد اولین نوه اش از قتل عام مردمی در آناتولی صرف نظر کند و بار دیگر هنگامی که عبدالقادر مراغی (موسیقیدان قرن نهم) دچار خشم تیمور شده بود، گوهرشاد خاتون به او می گوید که به سرای تیمور برود و قرآن را به آواز موسیقی بخواند و او هم این کار را انجام می دهد و بخشیده شد. از منابع چنین مستفاد می گردد در سال ۸۵۰ه.ق/۱۴۴۷م شاهرخ میرزا با وجود بیماری، به تشویق گوهرشاد خاتون برای سرکوبی نوه اش سلطان محمد بن بایسنقر به اصفهان لشکرکشی کرد، جمعی از سادات، بزرگان و علمای آن شهر را به اتهام همکاری با سلطان محمد دستگیر و تبعید نمود و دستور قتل یکی از سادات حسینی، شاه علاءالدین و قاضی امام و خواجه افضل الدین ترکه از علمای بزرگ اصفهان را صادر و آنان را به قتل رساند. این گونه اقدامات بر نام نیک زنی چون گوهرشاد، خدشه وارد کرد (سمرقندی، ۱۳۳۷: ۲۵۶؛ جعفریان، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

قابل ذکر است که ملکه ی تیموری حتی پس از مرگ شاهرخ نیز از همین نفوذ خود استفاده کرد و در دسته بندی های مربوط به منازعات جانشینی شرکت جست. به طوریکه با کشمکش ها و نزاع های فراوان، نوهی مورد علاقه ی خود را به تاج و تخت نشانند و برای ده سال عملاً فرمانروای امپراطوری بزرگی بود که از دجله تا مرزهای چین امتداد داشت (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

فعالیت های سیاسی گوهرشاد خاتون زمانی بیشتر جلب توجه می کند که به یاد داشته باشیم که او در چه زمانه ای زندگی می کرد. بدیهی است که وی نقش بسیار موثری در فعالیت های سیاسی واجتماعی زمان خود داشت. هرچند که او بهای سنگینی برای ورود به دنیای سیاست پرداخت و جان خود را در این راه گذاشت (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۶۸/۴).

نقش گوهرشاد خاتون در گسترش تمدن هرات

دوره‌ی تیموریان هرات یکی از دوره‌های مهم در تاریخ تمدن اسلامی است. این دوره از زمان سلطنت شاهرخ میرزای تیموری آغاز می‌شود و تا انتهای حاکمیت سلاطین این خاندان در خراسان با مرکزیت هرات دوام پیدا می‌کند (روملو، ۱۳۵۷: ۲۶۳). گرچه هرات در بیشتر دوره‌های تاریخی به عنوان یکی از

مهم‌ترین شهرهای خراسان و بستر مناسب تلاقی مدنیت‌های شرق و غرب به شمار می‌رفته، ولی در دوران سلطنت شاهرخ میرزای تیموری و پشتیبانی گوهرشاد خاتون این شهر مرکز تجمع دانشمندان و هنرمندان و محل رونق و شکوفایی هنرهای بسیاری چون تذهیب، خوشنویسی، معماری، بوده است (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۳۲۰؛ ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۴۳۳).

شاهرخ میرزا در کنار تنظیم امور سیاسی و جهانگردی قلمرو خود، به پایه‌گذاری تمدن اسلامی در هر گوشه از سرزمین تحت حاکمیتش کوشید. این نکته قابل ذکر است که وی با برقراری امنیت و آرامش، توانست بسیاری از دانشمندان و هنرمندان و صاحبان حرفه را مجذوب هرات کند و آن را به یک کانون فرهنگی و هنری تبدیل نماید (واعظ، ۱۳۵۱: ۱۰۸؛ طیبی، ۱۹۸۵: ۱۰).

در کتاب "ظهیرالدین محمد بابر شاه" چنین نگاشته شده است: "در این میان، شهر هرات به یکی از بزرگترین شهر خراسان تبدیل شد. این بزرگی، هم به لحاظ معماری و وسعت جغرافیایی بود و هم به دلیل گردآمدن شمار زیادی از هنرمندان و معماران. چنانچه ابیات ذیل نیز در وصف هرات آمده است:

در خراسان هرا بهشت برین شد به عهد معین دولت و دین
شاهرخ پادشاه هفت اقلیم خلد الله ملکه آمین" (حبیبی، ۱۳۵۱: ۲۹۰)

این سند تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که این شهر در زمان او به درجه‌ی عظمت و اعتبار و وسعت رسید. کاخ‌ها، باغ‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها، و مدارس زیادی در آن ساخته شد. در نتیجه - هرات در تاریخ

اسلام جایگاه ارزشمندی پیدا نمود. نه تنها بر هرات که مرکز حکومت او بود توجه داشت، بلکه تمامی شهرها و مناطق تحت امر او نیز از ساخت و سازهای تمدنی بدور نماندند. بدین ترتیب شاهرخ تیموری از خود سنتی به یادگار گذاشت که جانشینان او نیز از آن پیروی کردند و به دستاوردهای بزرگی دست یافتند (پوکاچنگووا، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

به نظر نگارنده، توجه لازم به آموزش نیروی انسانی در جهت تمدن‌سازی از جانب شاهان تیموری و به ویژه شاهرخ تیموری و همسرش گوهرشاد خاتون کلید توسعه‌ی فضای فرهنگی هرات دوران تیموری بوده است.

زمانیکه از شکوفایی تمدن در هرات صحبت به میان می‌آید مشکل است کارکرد گوهرشاد بیگم و نقش آن را در گسترش فرهنگی نادیده بگیریم. او در واقع به عنوان مشاور و وزیر شاهرخ در کنار همسرش نقش سازنده و ارزنده داشت. و تمام تلاشش توسعه‌ی تمدن و فرهنگ هرات بود. او

مشوق خوبی برای همسرش در جهت جهاننداری و پیشرفت قلمرو تحت حاکمیتش بود نه در راستای حمله بر سرزمین های جدید و جدال های بی مورد در قبال آنها. گوهرشاد خاتون همواره عاشق ادبیات، شعر و شاعری بود. وی برای شاعران عزت زیادی قائل بود و به آنان بذل های شاهانه می کرد. همین طور معماران، هنرمندان، نقاشان، نویسندگان و همه ی آنانکه در راه ترقی هرات می توانستند کاری انجام دهند، مورد حمایت وی قرار می گرفتند. او همیشه به زبان فارسی صحبت می کرد و این زبان را در دربار سلطنتی به زبان رسمی تبدیل کرده بود. تحت حمایت او علاوه بر زبان فارسی، فرهنگ خراسانی نیز به

عصر اصلی در دربار تیموریان ارتقاء یافت. او و همسرش سلطان شاهرخ تیموری، نوعی رنسانس فرهنگی، از طریق حمایت خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان، و شاعران به دربار خود به وجود آوردند. عبدالرحمن جامی یکی از مشهورترین هنرمندانی بود که تحت حمایت ایشان قرار گرفت. گوهرشاد خاتون به تاریخ و ادبیات علاقمند بود و مهری هروی، از زنان شاعر قرن نهم، مصاحب و ندیمه ی او بود (حبیبی، ۱۳۵۴: ۷۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۹/۳).

گوهرشاد بیگم به توسعه ی فرهنگی هرات علاقمند بود و رسیدن به این آرمان را در دانش پروری و علم آموزی می دانست. وی مدارس زیادی را ساخت و در پویایی آن از هیچ سعی فروگذاری نکرد. مردم را به این کانون ها فرا می خواند و در زمان او از اهل علم استقبال فراوان می شد. با علم آموزان به خوبی رفتار می شد و به علم آنان ارج می نهاد. حمایت از مدرسان و معلمان اولویت کاری دوره-ی شاهرخ و گوهرشاد بیگم را تشکیل می دادند، لذا علم در این عصر از جایگاه والایی برخوردار بود. این احترام به علم و دانش از جانب شاهرخ و گوهرشاد توانست در مدت کمتر از نیم قرن رنسانس تمدن را در هرات به وجود بیاورد. همین طور در سایر عرصه ها نیز گوهرشاد یکی از بانیان و حمایت کنندگان اصلی جریان های ترقی طلب در هرات بود. او روحیه ی پشتیبانی از توسعه ی فرهنگی و رسیدن به آبادی خراسان و تجربه نمودن کمال تمدن را در میان تمامی امیران و حکمرایان همسرش به وجود آورده بود (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۹۰). به نظر نگارنده، شاهرخ در حقیقت تحت تأثیر اندیشه ی مترقی و متمدن گوهرشاد قرار داشت و هر وقت که او را سستی و غفلت فرا می گرفت، این گوهرشاد خاتون بود که وی را دوباره در این راه نیرو می بخشید و اراده اش را قوی تر از پیش می ساخت. قابل ذکر است که گوهرشاد یگانه زن آن روزگار هرات بود که چنین نقش مؤثر را در گسترش و ارتقاء تمدن در هرات به صورت خاص و در تمامی قلمرو امپراطوری تیموری به صورت عام دارا بوده است.

نقش گوهرشاد خاتون در حمایت از معماری

زنان ایرانی همواره به دلیل داشتن جایگاه ارزنده ای در ایران همواره تأثیر مستقیمی در ایجاد ابنیه‌ی بی‌مانندی داشتند که امروزه نمونه‌های چشمگیر معماری ایرانی اسلامی به شمار می‌روند. چنانکه در قبل گفته شد، به طور تقریبی نیمی از جمعیت هر کشوری را زنان تشکیل می‌دهند و به عنوان نیمی از شهروندان ایران جایگاه و اهمیت خاص خود را دارند. با مطالعه در تاریخ معماری ایران در می‌یابیم که در برخی دوره‌ها که زنان از منزلت و جایگاه خاصی برخوردار بوده‌اند، ابنیه‌ی ارزشمندی را حامی و بنیانگذاری کرده‌اند. به عبارت دیگر، گاه زن خود انگیزه‌ای برای خلق معماری می‌شود و گاه تبدیل می‌شود به بانی و حامی یک اثر معماری و گاه نیز همپای مردان بلکه حتی یک قدم جلوتر به نظارت و اجرای یک بنای مهم تاریخی می‌پردازد و توانایی‌هایش را به رخ می‌کشد. سنت حمایت زنان از معماری در جامعه‌ی اسلامی به خصوص عهد تیموری سوابق بسیار دارد و به فور می‌توان از حضور و مشارکت فعالانه‌ی آنان به عنوان حامی و بانی معماری یاد کرد. متون دوره‌ی تیموری گزارش‌های قابل توجهی را ذکر کرده‌اند. از ملکه کبری یکی از همسران تیمور گرفته تا گوهرشادآغا همسر شاهرخ تیموری (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۹۲/۴؛ سمرقندی، ۱۳۷۵: ۲۶۱/۲)

گوهرشاد خاتون از زنان نام‌آشنای این دوران همواره بانی و ناظر بر امور طراحی و ساخت بنا بوده و حضور دائم و فعال داشته است. این طور به نظر می‌رسد که حضور او به عنوان بنیانگذار و ناظر، بر معماری بنا اثرگذار بوده است. وی در عین حال که در چهارچوب مرزهای حمایت از ساختمان‌های دینی که از یک زن انتظار می‌رود قرار داشت، قادر بود قدرت خویش را با ساختن بناهایش اثبات کند. این بناها که می‌توان بر آنها تأکید کرد، در میان ساخته‌های زنان بی‌نظیر است زیرا زیباترین بناهای دوره‌ی وی است (کاووسی، ۱۳۸۹: ۸۵).

به نظر نگارنده، گوهرشاد خاتون، ضمن همراهی همسرش شاهرخ، به ویژه پس از مرگ تیمور، ابتدا وقت خود را صرف امور نظامی و تحکیم امور سیاسی کرد و سپس در توسعه‌ی شهرسازی و امور عام المنفعه و امور سیاسی نقش به‌سزایی ایفا نمود.

گوهرشادآغا به مظاهر تمدن اسلامی در هرات و خراسان توجه اساسی داشته است و آن را در عمارت‌ها و بناهایی عظیم و ماندگاری به یادگار گذاشته و امروزه یکی از افتخارات جهان اسلام به شمار می‌آید. از آثار و بناهایی که توسط این بانوی تیموری بنا شد عبارت است از: ۱) مسجد جامع، ۲) مدرسه و خانقاه شهر هرات، ۳) مسجد جامع مشهد در ایران. که بیش از همه اهمیت دارند و در هر دو شهر به نام آن بانو به مسجد گوهرشاد موسوم و مشهور می‌باشند و از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری قرن نهم هجری قمری به شمار می‌روند. در اینجا به توصیف ویژگی بناها به اختصار می‌پردازیم.

۱) مسجد جامع گوهرشاد: گوهرشاد آغا با ایجاد بناهای مذهبی، رابطه‌ی حکومت و مردم و روحانیان را تقویت می‌نمود. بررسی مسجد گوهرشاد هرات از دو دیدگاه حائز اهمیت است، از این نظر که دو

پایتخت امپراتوری تیموری یعنی سمرقند و هرات، بیش از نواحی دیگرایران، دارای معماری طرازاول تیموری است واینکه شاهرخ تیموری به همراه همسرش گوهرشاد بیگم، هرات را کانون فعالیت‌های فرهنگی خود قرار دادند. لذا دراین زمان بناهای تاریخی در هرات بنیاد گذاشته شد(گدار، ۱۳۸۴: ۱۳۱). این مسجد در هرات و در شمال شرق مدرسه گوهرشاد واقع و از حیث ساختمان شبیه مدرسه موصوف بوده بااین تفاوت که مدرسه دارای چهار منار و مسجد دارای دو منار که به طرف راست و چپ هر دو شبستان‌ها ساخته شده بود. امرآبادی مسجد جامع گوهرشاد که ساختمان زیبا و مقبولی داشت درسال ۸۰۹هجری قمری آغازشد(بارتولد، ۱۳۸۲: ۹۲؛ سوچک، ۱۳۸۶: ۴۶).

۲)مدرسه و خانقاه گوهرشاد: در شهر هرات و یکی دیگر از بناهایی است که به امرگوهرشاد در سال ۸۲۰هجری قمری آغاز و در سال ۸۳۶هجری قمری به اتمام رسیده است و در کنار آن، کتابخانه و بیمارستان و مهمانسرا نیز احداث کرده است. این بنای عظیم و مهم تاریخی که در بعضی منابع بنام(بیت المغفره)آمده است و اکنون خرابه ای از آن در شهر هرات باقی است در میان مردم هرات به نام گنبد سبز مشهوراست(دانی، ۱۳۷۸: ۹۱). این مجموعه‌ی فرهنگی توسط گروهی از معماران برجسته

به ریاست قوام الدین زین الدین شیرازی که در معماری، مهندسی، طراحی و حتی نجوم بی نظیربود، ساخته شده است و خطاط مشهور، موسوم به جعفر جلال هروی، خطوط کتیبه‌های آن را نوشته و استادمیرک هروی، آن را تذهیب و تزیین نموده است(میر، ۱۳۶۸: ۵۹۱/۱). قطعات باقی مانده ازاین مجموعه، نشان دهنده‌ی سلیقه‌ی بسیار عالی و منابع بسیار غنی گوهرشاد در ساخت و تزیینات آن است که درواقع طلایه دار نوآوری های معماری و ساختمانی قرن نهم هجری قمری است. مدرسه و خانقاهی که گوهرشاد دستور ساخت آن را داد، محلی برای تحصیل علمای برجسته‌ی خراسان چون مسعود شروانی و خواجه عبدالرحمن اوحد بود. آرامگاه برادر گوهرشاد، امیر صوفی ترخان، آرامگاه بایسنقر و همین طور آرامگاه شاهرخ و گوهرشاد در این مجموعه قراردارند (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۱۷).

در مآثرالملوک، نویسنده در باب حمایت گوهرشاد خاتون در تاسیس عمارتی در هرات می نویسد: "و بانوی عظمی گوهرشاد آغا که حرم محترم آن پادشاه جم جام بود قریب به خیابان هرات مسجد جامع و مدرسه ای در کمال تکلف و زیبایی بنا نهاده، به اتمام رسانید و دراین مدرسه نیز حالا چهار مدرس منصوب اند"(خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

۳)مسجد جامع گوهرشاد: علاوه بر هرات، مشهد به علت موقعیت جغرافیایی و حاصلخیزبودن و وجود پربرکت امام رضا(ع)، موردتوجه قرارگرفت وابعادآن بزرگتر شد. این شهر بعد از هرات از

حمایت مستقیم دربار وقت برخوردار بود. در این مسیر هزینه‌های عمرانی قابل توجهی صرف شد و آن را به مرکز مهمی، مبدل ساخت. گوهرشاد که زنی متدین بود و ارادت زیادی به ائمه اطهار داشت، برای خشنودی و رفال حال زائران به دستور وی، حرم امام رضا(ع) در مشهد به صورت باشکوهی بازسازی و نوسازی شد(گرایلی، ۱۳۸۵: ۱۵۷؛ بلر، ۱۳۸۲: ۶۵). همچنین بنا به دستور و هزینه گوهرشاد، یک مسجد جامع بزرگ، دو تالار بزرگ و محل اجتماع زوار، به نام های دارالسیاده(خانه سادات) و دارالحفاظ (خانه حافظان قرآن) بنا کرد. تزئینات ساختمانی انجام شده در این مسجد به اندازه ای باشکوه است که قرن هاست زائران حرم امام رضا(ع) را حیرت زده و مبهور کرده است(نوذری، ۱۳۸۵: ۲۴۷). این مسجد در جنوب حرم مطهر و در سال ۸۱۲ هجری قمری با استفاده از آجر و گچ و به شیوهی معماری اسلامی در شرق ساخته شد و در سال ۸۲۱ هجری قمری ساختمان آن به پایان رسید(اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۲: ۸۹؛ تاج بخش، ۱۳۸۱: ۲۹۷). به گفتهی حاج ملا هاشم خراسانی در کتاب منتخب التواریخ: "مخدره گوهرشاد آغا مسلماً شیعه بوده و در کمال اخلاص و حسن عقیده، مسجدی را در مشهد بنانهاد" (خراسانی، بی تا: ۱۵۲).

گوهرشاد تنها در امور سیاسی با همسرش همراه نمی گشت، بلکه در ایجاد بناهای عام المنفعه هم شرکت می جست. انگیزه‌ی گوهرشاد خاتون از ساخت این بناها دقیقاً مشخص نیست. با توجه به نظریه‌ی اسلامی همراهی دین با سیاست، یک فرمانروای سیاسی با استفاده از دین و عدالت نمونه‌ی یک پادشاه عادل در جوامع اسلامی محسوب می گردد. رجوع پادشاهان به مسائل دینی، دراصل نوعی کسب مشروعیت و بخش مهمی از قدرت اجتماعی به شمار می آید(فوران، ۱۳۸۹: ۷۸). شاید انگیزه‌ی گوهرشاد و خانواده‌ی وی از این اقدامات برای کسب مشروعیت و نام نیک در برابر کشتارها و ویرانی های تیمور بوده است. توجه به هرات به عنوان پایتخت امری طبیعی است، ولی چرا این تمرکز در شهر مشهد نیز شکل گرفت؟ زیارت آرامگاه یک فرد مقدس در بین مسلمانان رواج و اهمیت داشت. این آرامگاه ها بخش های شناخته شده‌ی خاص اجتماع بودند، بنابراین این اماکن زائران فراوانی به سوی خود جذب می نمودند. در این زمان تعداد شیعیان در مشهد رو به فزونی بوده است. شاهرخ در دوران فرمانروایی خویش به اهل بیت و سادات احترام می گذارد(قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۵۹). و در هر زمانی که پیش می آمد به زیارت امام رضا(ع) می رفت. گوهرشاد که شاهد جمعیت فراوان شیعیان در مشهد بود، شاید برای خشنودی آنان یا بر جای گذاردن نامی نیک، دست به ساخت این مسجد زد. شاید ساخت یک مسجد توسط فردی سنی مذهب، در کنار یک زیارتگاه بزرگ و باشکوه شیعی، برای تبلیغات مذهبی بوده است. برپایی چنین اماکنی سبب شهرت وی و ایجاد حس عظمت در بین مردم می شده است(نوابی، ۱۳۷۰: ۴۷۷).

نکات به کاررفته در این مسجد که بسیار تأمل برانگیز است می تواند به تأثیر جنسیت گوهرشاد در معماری این بنا اشاره کند. به طور کل ظرافت و زیبایی معماری دوره‌ی تیموری با توجه به علاقه‌ی سران تیموری و ایجاد فضای باز برای فعالیت زنان بر امور هنری، ریشه در احساسات ظریف و ذوق

موزون پسند زنانی دارد که خودبانی حمایت از این شیوهی معماری درایران شدند(رویمر، ۱۳۷۹: ۳۲۲/۳).

مساجد ساخت گوهرشاد، در زیباسازی شهرها مفید بودند به طوریکه شکوه این بناها حتی در دوران های بعدی به نظر اروپاییان چشمگیر جلوه می نمود(بارنز، ۱۳۶۶: ۶۱). تأثیر خاص رنگ ها در معماری اسلامی جایگاهی بس ارزنده دارد و باعث غنای فضای شهری می گردد. تزیینات در این بناها بر عقاید مذهبی تأکید دارند، نوشتن آیات قرآنی، درک عرفانی را بالا می برد. زائر یا مسافر خسته ای که از بیابانها عبور کرده با دیدن چنین منظره هایی زیبا به آرامش روانی بالایی می رسد. از این رو وجود چنین مساجدی می توانست در جذب مسافری تأثیرگذارتر باشد(مقری، ۱۳۵۹: ۸).

به دنبال ساخت این مسجد، گوهرشاد بیگم موقوفات بسیاری را در آن ماندگار کرد. وقفنامهی گوهرشاد از قدیمی ترین و گسترده ترین وقفنامه های خراسان است. این وقفنامه در سال ۸۲۹ ه.ق نوشته شده است. دارای مقدمه ای ادبی شامل حمد و ستایش خداوند، رسول اکرم(ص)، مدح شاهرخ تیموری و ستایش گوهرشاد بیگم بوده است. در مورد مصارف مقرر شد:

۱) از مجموع درآمد رقبات، یک دهم حق التولیه متولی.

۲) یک دهم جهت کارمندان، ضابطان، عمار و معماربقاق.

۳) صرف عمران و آبادی مسجد گوهرشاد.

باقی ماندهی درآمد هم به این افراد اختصاص یابد: امام جماعت نمازهای پنجگانه، خطیب، مصدر و معرف خوش خوان که روز جمعه و دوشنبه هر هفته برای واقفین یک جزء یا بیشتر قرآن بخواند، حافظان خوش خوان که روز جمعه یا دوشنبه هر هفته یک جزء یا بیشتر قرآن بخوانند، مؤذنان، فراشان

و چنانچه از درآمد موقوفات چیزی اضافه آمد با صلاحدید متولی به زوار امام رضاع(ع) از صلحا و اعراب مکه و مدینه و مسافران بدهند. از زمان تنظیم وقفنامه بانو گوهرشاد خاتون عده ای از خیرین، املاک و اموالی را از خانه و مزرعه و باغ وقف این مسجد کرده اند تا صرف تعمیرات و هزینه های جاری مسجد شود. امور وقفی سهم عمده ای در تعلیم و ترویج معارف اسلامی داشتند. وجود وقف، محرومیت ناشی از عوامل اقتصادی و اجتماعی را رفع کرد. در واقع گوهرشاد خاتون با ایجاد امور وقفی به سادات، مردم شهری و روستایی، روحانیان، قاریان، زائران و مسافران خدمات شایانی ارائه داد(طیبی، ۱۳۶۸: ۱۲۹؛ امیرشیبانی، ۱۳۸۰: ۷).

به نظر نگارنده، هرچند مسجد گوهرشاد در طول زمان تحول بسیار یافته، ولی به جهت قدمت تاریخی، سبک معماری و زیبایی های هنری یکی از مهمترین آثار باستانی مشهد و صنعت معماری

ایرانی-اسلامی می باشد. امروزه این مسجد با توجه به درایتی که بانی آن در حسن معماری و رفعت بنا و انتخاب محل و همچنین تنظیم وقفنامه داشته است، به کانونی برای رشد و توسعه‌ی فرهنگ اسلامی تبدیل شده است.

نقش گوهرشاد خاتون در تربیت فرزندان هنرمند

گوهرشاد خاتون نقش مؤثر در عرصه‌ی تربیت فرزندان شایسته و هنرمند داشته است. به تعبیری دیگر، گوهرشاد نام خود را هم به عنوان زن نیکوکار، عمران خواه و هم مادری نمونه ثبت جاودانه نمود. وی به عنوان مشوق، همسر و فرزندان خود را در مسیر اعتلای هنر و معماری و شکوفایی فرهنگ و تمدن قرارداد تا مایه‌ی خیر و برکت شوند. بدین ترتیب نقشی ماندگار در صفحه‌ی تاریخ از خود به یادگار گذاشت. فارغ از ساخت بناهای عام المنفعه، نقش وی در پرورش فرزندان بسیار حائز اهمیت بوده و باید مورد توجه قرار بگیرد.

کارکردهای این زن اسوه در تاریخ تمدن اسلام الگوی خوبی برای تمامی زنان عالم به ویژه زنان بایمان و تمدن خواه اسلامی می باشد تا با الهام از وی بتوانند با تربیت فرزندان شایسته، سهمی را در پیشرفت هنر و تمدن جامعه داشته باشند.

گوهرشاد داری دو پسر بود که نقش مهمی در تربیت آنها داشت. شاهکارهای هنری چندی از آنها باقی ماند که نامشان را همچون مادرشان ماندگار کرد. بدین شرح:

۱- میرزا غیاث الدین بن شاهرخ بن امیر تیمور (۸۰۲ ه.ق- ۱۳۹۹ م/ ۸۳۷ ه.ق- ۱۴۳۳ م) که به نام های بایسنقر میرزا و سلطان بایسنقر بهادر خان نیز شهرت دارد. وی خوش طبع و هنرپرور بود و در خط ثلث سرآمد دیگر خطاطان زمان خودش به حساب می آمد. به طوریکه کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشادمشهد هم که به خط ثلث نوشته، از هنرهای بایسنقر است. بزرگترین قرآن موجود در ایران با هنر دست بایسنقر ماندگار شده که هنوز برخی صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی موجود است (گری، ۱۳۶۹: ۱۸۰). مهمترین کار ادبی وی ترتیب شاهنامه‌ی فردوسی و مقدمه‌ی ای است که به اشاره‌ی او بر شاهنامه نوشته اند و به مقدمه‌ی بایسنقر معروف است (بارشاطر، ۱۳۳۴: ۵۲). پسری که

گوهرشاد تربیت کرد، مثل مادرش ادب دوست و هنرمند بود. او بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. علاوه بر زبان ترکی که زبان مادریش بود، به زبان های فارسی و عربی نیز تسلط داشت و به آنها شعر می سرود. همچنین به جهت علاقه‌ی خاصی که به هنر نشان می داد، هنرمندان بسیاری را حمایت می کرد و اوقات خود را در بین آنان می گذراند (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

۲- ابراهیم سلطان بن شاهرخ (۷۶۹ ه.ق- ۱۳۹۴ م/ ۸۲۸ ه.ق- ۱۴۳۵ م) پسر دیگر گوهرشاد خاتون، مردی هنرمند، شعرشناس و خوشنویسی توانا بود. هنرمندان و دانشمندان را حمایت می کرد. مورخ مشهور، مولانا شرف الدین علی یزدی، در خدمت وی بود و کتاب ظفرنامه را به دستور او نوشت. از وی آثار و کتیبه هایی به خط ثلث بر مساجد و مدارس شیراز باقی مانده است. باینکه شاهزادگان

شاهرخ خوداستاد خط نسخ و ثلث نویس بودند، اماهم بایسنقرمیرزا در خراسان، و هم ابراهیم میرزا در عراق و فارس برای ترویج انواع خط، دیگر هنرمندان را نیز تشویق می کردند(یزدی، ۱۳۳۶: ۵۰۳/۱؛ سمرقندی، ۱۳۳۷: ۲۸۷).

به نظر نگارنده، بدون تردید فرزندان گوهرشاد ترویج دهنده‌ی فرهنگ و هنراسلامی در زمان خود بودند که افراد بسیاری نیز تحت حمایت آنها به فعالیتهای فرهنگی پرداختند. ماندگار بودن نام گوهرشاد خاتون، همسرش شاهرخ و فرزندانش در دل تاریخ، نشان دهنده‌ی این مدعاست.

فرجام کار گوهرشاد خاتون

پس از درگذشت شاهرخ تیموری که قلمرو او دچار آشفتگی شدید شده بود، گوهرشاد بیش از پیش وارد میدان سیاست شد و تا لحظه‌ی آخر به دخالت در امور دولت داری پرداخت. وی علاقه‌ی بسیاری به علاءالدوله بن بایسنقر از خود نشان می داد و اراده اش را عزم کرده بود تا بعد از مرگ همسرش، این فرد را به حکومت برساند. او با حمایت ترخانیان به آسانی به مقصود می رسید(سیدی، ۱۳۷۸: ۶۱). طرفداری های گوهرشاد از علاءالدوله در سال ۸۴۰ هجری قمری باعث ناراحتی عبداللطیف بن الغ بیگ گردید. گوهرشاد به دلجویی از او پرداخت. این دلجویی فقط از سرمحبت مادرانه نبود، بلکه او نمی خواست برای علاءالدوله و خود دشمنی از میان خاندان شاهی به وجود آید. نارضایتی های فرزندان گوهرشاد خاتون، برای جلب حمایت مادرمقتدر و مسئله‌ی جانشینی بعد از شاهرخ بود. محبت های بی جای این زن، مقدمات حس حسادت را در بین شاهزادگان، آشفتگی اوضاع، از بین رفتن آرامش، ظلم به رعایا، و بدبینی امرا را نسبت به یکدیگر فراهم نمود. زیرا شاهرخ برای خود جانشینی تعیین نکرده بود و نسبت به اعمال همسرش اعتراضی نشان نمی داد(تتوی، ۱۳۷۲: ۵۲۳۱/۷؛ خواندمیر، ۱۳۵۶: ۳۶۲/۲). گوهرشاد با تمام قدرت سعی در اجرای اهداف مورد نظرش داشت، ولی به نظر نمی رسد شاهرخ خواهان این انتخاب بوده باشد. سکوت او به نوعی نشان دهنده‌ی ضعف در برابر همسرش به حساب می آمد. گوهرشاد خاتون با چنین اقتداری با همکاری سرداران تیموری، نقش مهمی را در اداره‌ی ممالک شاهرخ داشته است(افضلی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). شاهرخ تیموری زمانی که چشم از جهان فرو بست. گوهرشاد

خبر مرگ همسرش را با نامه ای به گوش فرزند بایسنقر رساند، بنابراین درب گنج های خزانه‌ی هرات را گشود و لشکریان زیادی را با بخشش فراوان مطیع خود ساخت. عبداللطیف که از این ماجرا آگاهی یافت اموال گوهرشاد را تاراج و بر آن زن بی حرمتی ها روا نمود. به نظرمی رسد وجود خاندانی معتبر چون ترخانیان و حمایت های گوهرشاد از علاءالدوله برای حفظ قدرت وی در برابر الغ بیگ ضروری بوده است(تتوی، ۱۳۷۲: ۵۲۴۵/۸). گوهرشاد که سعی داشت در امور مملکت دارای نقشی داشته باشد با حمایت های بی جا از علاءالدوله، زمینه‌ی نارضایتی شاهزادگان را ایجاد

و برآشفتگی اوضاع بعد از شاهرخ افزود. این امر باعث نگرانی مدعیان سلطنت گردید که سرانجام به مرگ گوهرشاد خاتون ختم شد. یکی از این مدعیان ابوسعید بن سلطان محمدبن میرانشاه بن امیرتیمور برادرزاده‌ی شاهرخ بود که لحظه‌ای از فعالیت‌های سیاسی گوهرشاد غفلت نمی‌کرد. زیرا گوهرشاد را رقیب خود می‌دانست که به زعم او، برای به قدرت رساندن رقیبان‌ش تلاش می‌کرد. سرانجام ابوسعید تصمیم گرفت که گوهرشاد را به قتل برساند. زیرا ابوسعید می‌دانست که با نفوذ و اقتدار گوهرشاد نزد مردم، از بین بردن فرزندان وی ناممکن است. بنابراین گوهرشاد را در ۹ رمضان سال ۸۶۱ ه.ق/ ۱۹ ژوئیه ۱۴۵۷) به قتل رساند. پیکرش در کنار قبر فرزندش بایسنقر میرزا و همسرش شاهرخ در مجموعه‌ی مدرسه و مسجد گوهرشاد هرات به خاک سپرده شد (قزوینی، ۱۳۷۸: ۷۹؛ انوشه، ۱۳۸۱: ۸۴۲). این عمل ابوسعید بعدها در سال ۸۷۰ هجری قمری پس از شکست در مقابل حسن بیگ قراقویونلو منجر به قتل وی به دست یادگار محمد میرزا به جهت انتقام خون مادرش گردید (مبارک، ۱۳۷۲: ۱۳۳/۱).

نتیجه

آنچه در این پژوهش در قالب توصیف و تحلیل بنا بر استفاده از منابع و مآخذ آورده شد، در واقع کوششی بوده در راستای پاسخ به پرسشی بود که در ابتدای پژوهش مطرح شده بود. گوهرشاد خاتون با فراست و تدبیری که داشت، توانست خاندان تیموری را از تجاوزگری به سرزمین‌ها و ویرانی تمدن‌ها، تبدیل به خاندانی فرهنگ دوست و متمدن کند که دست از جهان‌گشایی و تجاوز به سرزمین‌ها بردارند و در اندیشه‌ی رونق رفاه عمومی، سازندگی کشور و گسترش دانش و هنر باشند. وی شاهرخ را تشویق کرد تا شهر هرات را به پایتختی خویش برگزیند و این شهر را مرکز گسترش و ترویج زبان فارسی و دانش و فرهنگ وادب و نگارگری و موسیقی و خوشنویسی قرار دهد. شاهرخ تیموری با آموزه‌ها و تشویق‌های گوهرشاد در جبران ویرانی‌گری‌های پدرش تیمور و آبادانی شهرها سعی بسیار کرد و دانشمندان و ادیبان و هنرمندان را گرمی داشت و قدر شناخت.

گوهرشاد خاتون پسران خود را چنین تربیت کرد و پرورش داد که اهل دانش و هنر و حامی دانشمندان و هنرمندان باشند. پسر او بایسنقر، ذوق سرشار هنری و فرهنگی داشت و مجلس او محل اجتماع ادیبان، مورخان، نقاشان، خوشنویسان بود. درحالی‌که خود نیز خوشنویس و ثلث نویس برجسته‌ای بود که خط او بر سر در مسجد گوهرشاد در مشهد که مادرش بنا نهاده بود، برجای مانده است. بایسنقر گروهی از بهترین ادیبان و خوشنویسان و نگارگران عصر خویش را برای تهیه‌ی نسخه‌ای از شاهنامه‌ی فردوسی گرد آورد که به شاهنامه بایسنقری مشهور است. پسر کوچکتر گوهرشاد یعنی سلطان ابراهیم نیز از بزرگان هنر و خوشنویسی زمان خود بود و قرآن مشهور و عظیم دروازه‌ی قرآن شیراز که اکنون در موزه‌ی شیراز نگهداری می‌شود، به خط او می‌باشد.

گهرشاد خاتون بانی آثار معماری فراوانی شد و کوشید تا با بهره گیری شایسته از موقعیت خود و نیز با تمسک به باورهای مذهبی و علائق عمومی، آن آثار را تبدیل به موزه ها و نمایشگاه هایی ماندگار از آثار هنری و هنرمندان زمان خود کند. در مسجد گهرشاد مشهد و هرات و دیگر مساجد و مدارس و مصلاها و بناهای عام المنفعه ای که او بنیان نهاد، شماری از برجسته ترین صنعتگران، هنرمندان زمان خود دعوت به همکاری شدند تا از آنان نقشی به یادگار بماند.

دربار و پایتخت شاهرخ تیموری در شهر هرات به واسطه‌ی دانایی و فراست گهرشاد، به نگین درخشان فعالیت های فرهنگی و هنری وادبی و توسعه و رونق اجتماعی تبدیل شد و یکی از مهم ترین رستاخیزهای فرهنگی مشرق زمین در آنجا رقم خورد.

گهرشاد خاتون زنی قدرت خواه بود، و در امور سیاسی دخالت می نمود. بعد از مرگ شاهرخ، وی سعی در اجرای برخی از اهداف خود داشت. حمایت او از علاءالدوله و تلاش برای به قدرت رساندن این فرد درحالی که پسران شاهرخ در حیات بودند، در دوران زندگانی و پس از مرگ شاهرخ، زمینه‌ی بدبینی امرا و خشم و نارضایتی شاهزادگان از وی و خاندان ترخانی را به بار آورد. سرانجام این اعمال چیزی جز بی حرمتی و حبس و فرار و مرگ تلخ او، نگردید. گهرشاد باحمایت های خود باعث درگیری و زد و خوردهایی پس از مرگ همسرش گردید و بر دامنه‌ی نبردهای جانشینی افزود. به طوریکه توطئه ها و

دسیسه ها علیه او بالا گرفت تا در نهایت او را در سن هشتادسالگی به قتل رسانند. قتلی که نقطه-ی پایانی بر یک خیزش بزرگ فرهنگی بود که می توانست موجبات رشد و توسعه‌ی ایران را به همراه داشته باشد و مانع از عقب افتادگی های بعدی شود.

منابع و مأخذ

- امیرشیبانی، عبدالرضا، ۱۳۸۰، سیمای وقف در تاریخ ایران، تهران: انتشارات سگال.
- آنوشه، حسن، ۱۳۸۱، دانشنامه ادب فارسی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج ۳.
- آفضلی، محمد، (۱۳۹۰)، هرات در عهد تیموریان، هرات: انتشارات احراری.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد، (۱۳۳۹)، عجایب المقذور فی اخبار تیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۳۵۳)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، (۱۳۷۲)، مطلع الشمس، مقدمه تیمور برهان لیموده‌ی، تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- اوکین، برنارد، (۱۳۸۶)، معماری تیمور در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: انتشارات بنیاد و پژوهش های اسلامی.
- بهره، ولی شاه، (۱۳۹۱)، هرات نگین خراسان، هرات: انتشارات احراری.
- بارنز، الکس، (۱۳۶۶)، سفرنامه بارنز، ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی.
- بارتولد، ولادیمیر، (۱۳۸۲)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس.
- بلانت، ویلفرید، (۱۳۶۳)، جاده زرین سمرقند، ترجمه رضا رضایی، تهران: انتشارات جانزاده.
- بلر، شیلااس و جاناتان ام، بلوم، (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی (دوره ایلخانان و تیموریان)، ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلام
- پوکاچنگووا، گالینا، (۱۳۷۸)، شاهکاری های معماری آسیای میانه (سده های چهاردهم و پانزدهم میلادی)، ترجمه سید داوود طباطبایی، تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- پریس، کریستین، (۱۳۴۷)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تتوی، احمد و قزوینی، آصف، (۱۳۷۲)، تاریخ الفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تاج بخش، احمد، (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: انتشارات نوید شیراز.

- جوینی، عطاملک، (۱۳۷۸)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح منصور ثروت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۷)، تاریخ ایران اسلامی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____، (۱۳۸۳)، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان (قرن ۷ تا ۹ هجری)، تهران: انتشارات مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حصاری، عبدالباقی، (بی تا)، تاریخ افغانستان در دوره تیموریان، کابل: انتشارات امیری.
- حبیبی، عبدالحی، (۱۳۵۴)، هنر عهد تیموریان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____، (۱۳۵۱)، ظهیرالدین محمد بابرشاه، کابل: انتشارات بیهقی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین، (۱۳۷۲)، مآثرالملوک، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
- _____، (۱۳۵۳)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران: انتشارات خیام.
- _____، ۱۳۴۵، خلاصه الاخبار، اهتمام سرور اعتمادی، کابل: انتشارات امیری.
- _____، ۱۳۵۶، دستورالوزراء، تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال، ج ۲.
- خراسانی، هاشم، (بی تا)، منتخب التواریخ، تهران: انتشارات کتابفروشی محمدحسن علمی.
- خوافی، احمد بن جلال الدین، (۱۳۳۹)، مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخی، مشهد: انتشارات باستان.
- دانی، احمدحسن، (۱۳۷۸)، میراث تیمور، تهران: انتشارات خیام.
- روملو، حسن بیگ، (۱۳۵۷)، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
- رجبی، محمدحسن، (۱۳۷۴)، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی از آغاز تا مشروطه، تهران: انتشارات سروش.
- رویمر و دیگران، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران دوره تیموریان (پژوهش از دانشگاه کمبریج)، تهران: انتشارات جامی.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمرقندی، دولتشاه، (۱۳۳۷)، تذکره الشعراء، تهران: انتشارات بارانی.

- سوچک و دیگران، (۱۳۸۶)، هنر و ادب ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- سیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، مسجد و موقوفات گوهرشاد، قم: انتشارات کومه.
- _____، (۱۳۷۸)، تاریخ شهر مشهد، تهران: انتشارات جامی.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۳)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی داعی گیلانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- شاه بلخی، محمد بن خاوند، (۱۳۷۳)، روضه‌الصفاء، تهران: انتشارات علمی،
- شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، (۱۳۷۶)، مجمع الانساب، تصحیح هاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۴)، تاریخ ادبیات ایران از پایان قرن ۸ تا اوایل قرن ۱۰ هجری، تهران: انتشارات فردوسی، ج ۴.
- طبیبی، عبدالحکیم، (۱۳۶۸)، تاریخ هرات در عهد تیموریان، مقدمه محمد سرور مولایی، تهران: انتشارات هیرمند.
- _____، (۱۹۸۵)، شگوفانی هرات در عصر تیموریان، اهتمام عبدالاحد عشرتی، افغانستان: انتشارات شورای ثقافتی جهاد.
- فوران، جان، (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
- قزوینی، بوداق، (۱۳۷۸)، جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهران نژاد، تهران: انتشارات وزارت وارشاد اسلامی.
- قصابیان، محمدرضا، (۱۳۷۷)، تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه، مشهد: انتشارات انصار.
- کلاویخو، گزالد، (۱۳۴۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاسب، عزیزالله، (۱۳۶۸)، منحنی قدرت در تاریخ ایران، تهران: انتشارات زمانی.
- کاویانیان، محمد احتشام، (۱۳۵۴)، شمس الشموس، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- کاووسی، ولی الله، (۱۳۸۹)، تیغ و تنبوره، هنر دوره تیموریان به روایت متون فرهنگستان، تهران: انتشارات فرهنگستان.
- گدار، آندره و دیگران، (۱۳۸۴)، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقده مقدم، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- گرایلی، فریدون، (۱۳۸۵)، نیشابور شهر فیروزه، بی جا، انتشارات وامینه.
- گری، بازیل، (۱۳۶۹)، نقاشی ایران، ترجمه شروه عربعلی، تهران: انتشارات عصر جدید.
- مبارک، ابوالفضل، (۱۳۷۲)، اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

- میرجعفری، حسین، (۱۳۸۷)، تاریخ تحولات سیاسی واجتماعی واقتصادی وفرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: انتشارات سمت.
- نعمانی، فرهاد، (۱۳۵۸)، تکامل فنودالیسم در ایران، تهران: انتشارات سهامی خوارزمی.
- واعظ، اصیل الدین، (۱۳۵۱)، مقصدالاقبال سلطانیه و مرصدالامال خاقانیه، تصحیح مایل هروی تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا، (۱۳۷۴)، معماری تیموری درایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ ارشاداسلامی.
- یارشاطر، احسان، (۱۳۳۴)، شعر فارسی در عهد شاهرخ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۳۶)، ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی